

راز کناره‌گیری علما از تکیه دولت



• حدیث روح پرور *

چکیده

مقاله پیش‌رو به واکاوی پدیده کناره‌گیری گزینشی گروهی از علما از «تکیه دولت» در دوره ناصری می‌پردازد. این مسئله که در نگاه نخست، تقابل ساده نهاد روحانیت با یک بنای دولتی به نظر می‌رسد، در واقع بازتاب‌دهنده کشمکش عمیق‌تری بر سر «کنترل دین»، «مشروعیت سیاسی» و «تعریف هویت دینی» در مواجهه با مدرنیته عصر قاجار است. این پژوهش، با روش کیفی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع تاریخی و پژوهش‌های معتبر، نشان می‌دهد که واکنش علما به تکیه دولت یکسان نبوده و ریشه در دوگانه «علمای وابسته به دربار» و «علمای مستقل» داشته است. درحالی‌که گروه نخست تکیه دولت را بستری برای گسترش آیین‌های شیعی با حمایت شاه می‌دیدند، گروه دوم، که هسته اصلی مخالفان را تشکیل می‌دادند، از سه منظر «ترس از تسلط دولت بر امور دینی»، «نگرانی از هجمه معماری و فرهنگ غربی» و «به حاشیه رانده شدن نقش سنتی خود» به این نهاد اعتراض داشتند. این کناره‌گیری، دروازه‌ای تاریخی بر گسست سنت و تجدد در ایران گشود که پیامدهای آن تا انقلاب مشروطه و حتی نظام جمهوری اسلامی قابل رهگیری است.

واژگان کلیدی: تکیه دولت، علما، عصر قاجار، روحانیت، تعزیه، مناسک مذهبی.

۱. مقدمه

«تکیه دولت» که در سال ۱۲۸۴ هجری قمری به دستور ناصرالدین شاه قاجار در در محله سنگلج تهران ساخته شد، نه فقط یک بنای نمایشی عظیم با ظرفیت بیست هزار نفر، که نماد تلاش شاه برای «دولتی کردن آیین مذهبی» و کسب مشروعیتی مستقل از نهاد سنتی روحانیت بود. این مکان، با معماری متأثر از تالارهای اروپایی، جایگاه ویژه برای زنان درباری و مهمانان خارجی، و تمرکز بر «تعزیه» به عنوان یک نمایش دراماتیک، چالش‌های بی‌سابقه‌ای برای روحانیت سنتی شیعه در ایران ایجاد کرد. از آنجا که اجرای احکام و قوانین شرع در امور اجتماعی و سیاسی از الزامات دین اسلام است، لذا روابط علما و مراجع دینی با مقامات دولتی و کشمکش میان آنان برای تعیین سرنوشت جامعه، از مسائل حائز اهمیت تاریخ ایران به شمار می‌رود. این پژوهش، پیرامون یکی از مهم‌ترین مراحل اختلاف و کشمکش مزبور، یعنی دوره سلطنت قاجار و به خصوص عصر ناصری می‌باشد. منابع اصلی این پژوهش شامل روزنامه‌های آن عصر (مانند جبل‌المتین)، خاطرات رجال سیاسی (مانند روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه) و همچنین تاریخ‌نگاری‌های دوران قاجار (مانند تاریخ بیداری ایرانیان از ناظم‌الاسلام کرمانی) است، که معمولاً به این قبیل تنش‌ها اشاره کرده‌اند. شایان ذکر است، در مورد روابط میان علما و دولت می‌توان به کتاب «نهضت روحانیت ایران» از علی دوانی و «دین و دولت در ایران: نقش عالمان در دوره قاجار» از حامد الگار نیز رجوع کرد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که چرا گروهی از عالمان دینی با وجود اینکه تکیه دولت بستری برای انجام یکی از مهم‌ترین مناسک شیعی یعنی عزاداری محرم بود، از آن کناره گرفتند و این کناره‌گیری چه پیامدهای تاریخی و الهیاتی به دنبال داشت؟

۲. یافته‌ها و بحث

در دوران صفویه، عزاداری و تعزیه، آیینی کاملاً مردمی بود و مردم با هزینه‌های

شخصی بانی آن می‌شدند؛ در تکیه دولت، این رابطه کاملاً معکوس شد. برگزاری این مراسم‌ها، رفته رفته به یک رقابت درباری تبدیل شد و هزینه‌های آن از بیت‌المال و توسط رجال سیاسی تأمین می‌شد. در نتیجه، تعزیه از یک آیین خودجوش و اصیل مردمی، به یک جشنواره دولتی و تجملی مبدل گشت که در آن، به جای پرداختن به عمق مصیبت، بر شکوه ظاهری و نمایش قدرت تأکید می‌شد. این تغییر ماهیت، عمیقاً با روحیه زهدگرایانه و عدالت‌خواهانه حاکم بر گفتمان عاشورا در میان روحانیون و توده مردم در تعارض بود.^۱

در طی صد و بیست سال، از تأسیس سلسله قاجار در سال ۱۷۸۵م تا انقلاب مشروطیت در سال ۱۹۰۵م، علما نقش مهمی را در امور ایران بازی کردند. خصوصیات این دوران از آغاز آشکار بود. به تقریب، همزمان با تأسیس حکومت قاجار، علمای برجسته‌ای به خصوص در عتبات به ظهور پیوستند و مطالعات مذهبی از نو شروع شد، و موقعیت‌های آنان در سراسر سده نوزدهم تداوم و گسترش یافت. تضادهایی که در هر سلطنت شیعی نهفته است، در دوران قاجار شدت یافت و با عوامل دیگر که از دنیای خارج به ایران وارد شده بود نیز ترکیب شد و کشمکش مداوم میان علما و دولت را پدید آورد.^۲

برخلاف تصور رایج، در باب تکیه دولت شکافی بین علما ایجاد شد. روحانیون به طور کامل از این بنا و مراسمات آن کناره نگرفته بودند، بلکه طیف‌های مختلفی از واکنش‌ها را نشان دادند که نیازمند بررسی دقیق‌تر است.

گروه نخست، شامل روحانیونی است که با تکیه دولت همکاری می‌کردند و در مراسمات آن شرکت فعال داشتند. این گروه که عمدتاً از روحانیون نزدیک به دربار و دریافت‌کنندگان حقوق دولتی بودند، در برنامه‌ریزی و اجرای مراسم نقش مهمی ایفا می‌کردند. آن‌ها این بنا را فرصتی طلایی برای گسترش آیین‌های شیعی تحت حمایت رسمی دولت می‌دیدند و معتقد بودند که حضور شاه در مراسم، اعتبار و شکوه بیشتری به سوگواری اهل بیت (ع) می‌بخشد. میرزا ابوالحسن جلوه،

۱- مهدی گلجان و سپیده افشاررضایی؛ «تکیه دولت و مراسم مذهبی آن»

۲- رضا جاوید؛ «الاهیات سیاسی تکیه دولت»

۳- حامد الگار؛ دین و دولت در ایران، ص ۵۳

روحانی مشهور آن دوران، از جمله کسانی بود که در تکیه دولت حضور می‌یافت و روضه‌خوانی می‌کرد.



روضه‌خوان‌های تکیه دولت در دوران قاجار

در نقطه مقابل، بخش قابل‌توجهی از علما، به ویژه مراجع مستقل و روحانیون غیردرباری، نسبت به تکیه دولت موضع انتقادی و گاه متخاصم داشتند. این مخالفت ریشه در نگرانی‌های عمیق آن‌ها از تغییر ماهیت سنتی مراسم مذهبی داشت.

نخستین دلیل مخالفت، نگرانی از کنترل دولتی بر مذهب بود. علما بیم آن داشتند که دولت از طریق تکیه دولت، کنترل بیشتری بر مراسم مذهبی اعمال کند و استقلال نهاد روحانیت را محدود سازد. آن‌ها معتقد بودند که مذهب باید از دخالت مستقیم حکومت مصون بماند و روحانیون به عنوان واسطه طبیعی میان مردم و متون دینی عمل کنند.

دومین دلیل مهم، تهاجم فرهنگی و تأثیر معماری غربی بر فضای مذهبی بود. استفاده از الگوهای معماری اروپایی در ساخت تکیه، برخی روحانیون را نگران کرده بود و آن را نوعی غربی‌سازی آیین‌های مذهبی تلقی می‌کردند. آن‌ها معتقد بودند که فضای مذهبی باید بر اساس معماری اسلامی سنتی طراحی شود تا روح و معنویت مراسم حفظ شود، ولی «عنداللزوم خارجی‌ها اجازه می‌یافتند یا حتی

دعوت می‌شدند که در جلسات تعزیه‌خوانی حضور یابند.^۴ و حضور سفیران و مهمانان اروپایی در مراسم، موجب نگرانی برخی علما شده بود که آن را نوعی نمایش مذهب برای بیگانگان می‌دانستند.

سومین دلیل مخالفت، کاهش چشمگیر نقش سنتی روحانیت در رهبری مراسم بود. در تکیه دولت، برخلاف حسینیه‌های سنتی که روحانیون محلی آن‌ها را اداره می‌کردند و در آن نقش محوری داشتند، مراسم عمدتاً بر تعزیه‌خوانی و نمایش متمرکز بود و نقش روحانیون به حداقل رسیده بود. «بیشتر علما، بنا به سنت، با تعزیه مخالفت کرده بودند. علما نه فقط به ناسازگاری تعزیه با شریعت پی بردند، بلکه روضه‌خوان‌ها را در برانگیختن و تسلط بر احساسات مذهبی رقیب خود یافتند.»^۵ این امر برای علمایی که قرن‌ها نقش راهنمای معنوی جامعه را بر عهده داشتند، قابل قبول نبود.

منابع تاریخی نشان می‌دهد که اگرچه هیچ تحریم رسمی و گسترده یا اعتراض سازمان‌یافته‌ای علیه تکیه دولت از سوی مراجع بزرگ صادر نشد، اما برخی علما به شیوه‌های مختلف و غیرمستقیم مخالفت خود را ابراز می‌کردند. یکی از شیوه‌های رایج مخالفت، عدم حضور در مراسم تکیه دولت و ترجیح برگزاری مراسم موازی در حسینیه‌های سنتی بود. برخی از علمای مطرح تهران مانند آقا نجفی اصفهانی، در همان ایام محرم مراسم جداگانه‌ای در مساجد و حسینیه‌های محلی برگزار می‌کردند و پیروان خود را به شرکت در آن‌ها تشویق می‌نمودند.

شیوه دیگر مقاومت، انتقاد غیرمستقیم از طریق درس‌ها و مجالس خصوصی بود. در این مجالس، برخی علما بر اهمیت حفظ سنت‌های اصیل مذهبی تأکید می‌کردند و ضمن عدم اشاره مستقیم به تکیه دولت، بر ضرورت برگزاری مراسم در فضایی خالص از تأثیرات غیردینی صحبت می‌کردند. همچنین، برخی روحانیون در خطبه‌های جمعه و دروس حوزوی خود، بر استقلال نهاد روحانیت و خطرات دخالت حکومت در امور مذهبی هشدار می‌دادند.

۴- همان، ص ۲۱۲

۵- همان



آقا نجفی اصفهانی



میرزا ابوالحسن جلوه طباطبایی زواره

ساختار نهادی روحانیت در تکیه دولت به شکل سنتی حضور نداشت و این یکی از تفاوت‌های بنیادین آن با مراکز مذهبی دیگر بود. در حسینیه‌ها و تکیای محلی، روحانیون محلی نه تنها مراسم را اداره می‌کردند، بلکه نقش تفسیر، هدایت معنوی و پاسخ به سؤالات دینی مردم را نیز بر عهده داشتند. در تکیه دولت، این ساختار کاملاً متفاوت بود. در سال ۱۸۴۹م، در تهران، تکیه بزرگی برپا بود (تکیه سلطنت‌آباد)، اما ناصرالدین شاه از این تکیه خشنود نبود و پس از سفرش به انگلیس در سال ۱۸۷۳م فرمان داد که یک تکیه جدید دولتی از روی نمونه ساختمان کنسرت رویال آلبرت هال (Royal Albert Hall) لندن ساخته شود. ناگفته نماند، گروهی از محققین (مانند عنایت‌الله شهیدی و بهرام بیضایی)، معتقدند که ساختمان تکیه دولت بر اساس میادین و برخی کاروانسراها و تکیای اصیل ایرانی طراحی و ساخته شده است و هیچ ارتباطی میان آن و رویال آلبرت هال نیست.^۶ علی‌ای حال، تکیه دولت، که به نام‌های تکیه همایونی دولتی، تکیه قصر و تکیه بزرگ شاهی نیز شناخته می‌شود، با بنایی باشکوه و مجلل برای اجرای تعزیه در تهران برپا شد. جای رجال دولت، اعیان و اشراف، در طاق‌نماهای زیر و جای زنان و مردان دربار و مهمانانشان در طبقه دوم و سوم بود. عامه مردم هم در

۶- بهرام بیضایی؛ نمایش در ایران، ص ۱۲۹

۷- عنایت‌الله شهیدی؛ پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی، ص ۱۸۳

داخل تکیه، روی زمین و در پنج ردیف سطح پله، دور تا دور تکیه می‌نشستند.^{۱۰۹۸} این امر حاکی از آن است که جنبه تشریفاتی تعزیه بر جنبه مذهبی آن می‌چربیده است.^{۱۱} لذا، مراسم مستقیماً تحت نظارت دربار قرار داشته و مسئولیت اجرای آن با وزارت دربار و منشی‌باشی بوده است. این تغییر ساختاری باعث شد تا مراسم بیشتر جنبه نمایشی و تشریفاتی پیدا کند تا جنبه معنوی و تربیتی.

نقش خطابه و تفسیر دینی که از ارکان اصلی مراسم سنتی محسوب می‌شد، در تکیه دولت به شدت کمرنگ شده بود. به جای درس‌های اخلاقی و تفسیر رویدادهای عاشورا که معمولاً توسط روحانیون ارائه می‌شد، تعزیه به عنوان نمایش مذهبی اولویت یافته بود. این تغییر رویکرد از نظر برخی علما، مراسم را از جوهر معنوی آن دور کرده و آن را به یک نمایش صرف تبدیل می‌کرد.

ناصرالدین شاه با هوشمندی سیاسی قابل توجه، سیاست تفرقه‌انگیزی را در قبال روحانیون اتخاذ کرده بود که موجب تقسیم آن‌ها به دو اردوگاه شد. از یک سو، با ارائه حمایت‌های مالی گسترده، اعطای مناصب دولتی مانند امام جمعه، تخصیص حقوق ماهانه و اهدای امتیازات تجاری، وفاداری بخش قابل توجهی از روحانیون را جلب می‌کرد. این گروه که به «روحانیون درباری» معروف بودند، نه تنها در مراسم تکیه دولت شرکت می‌کردند، بلکه مدافع آن نیز بودند.

در اواخر سده نوزدهم، میان برخی از علما و دولت نوعی همکاری به ظاهر متقابل پدید آمد. در جبهه دیگر، کسانی را که با تشکیلات استبداد همکاری می‌کردند، به توان این همکاری، افراد بی‌اعتنا به مذهب محسوب می‌کردند و به طور کلی، به مقامات حکومتی با دیده تنفر می‌نگریستند.^{۱۲} مستوفی می‌نویسد: «حتی پیش از آمدن مقامات بلژیکی، خاصه تشکیلات گمرک را برخلاف مقررات شرع

۸- عبدالله مستوفی؛ شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)؛ ج ۱، ص ۲۹۳

۹- مهدی قلی‌خان هدایت؛ خاطرات و خطرات، صص ۸۸-۸۷

۱۰- دوستعلی‌خان معیرالممالک؛ یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه، ص ۴۵

۱۱- حامد الگار؛ دین و دولت در ایران، ص ۲۴۴

۱۲- همان، ص ۵۰

می دانستند.^{۱۳} دولت دارایی مشروع نداشت و در نظر برخی علمای سخت گیرتر، دارایی دولت از دیدگاه شرع «نجس» محسوب می شد. شاه نیز نسبت به مخالفان عملکرد سختگیرانه ای داشت. روحانیونی که علناً با سیاست های او مخالفت می کردند، با تهدید، محدودیت های مالی، تبعید از شهر و گاه حذف فیزیکی مواجه می شدند. این سیاست دوگانه باعث شد تا بسیاری از روحانیون ترجیح دهند سکوت کنند یا مخالفت خود را به شکل غیر مستقیم ابراز نمایند.



روحانیون در دوران قاجار

تکیه دولت نمایانگر تلاش ناصرالدین شاه برای ایجاد الگویی نوین از مذهب بود که کمتر وابسته به واسطه گری سنتی روحانیون باشد. مؤلف الماثر و الاثار می نویسد: «تعزیه در نظر ناصرالدین شاه به اندازه «واجبات و فرایض» اهمیت داشت.^{۱۴} شاه می خواست نشان دهد که دولت می تواند بدون وابستگی کامل به نهاد روحانیت، مراسم مذهبی باشکوه برگزار کند و از این طریق مشروعیت مذهبی مستقیم کسب نماید. این تلاش که بخشی از پروژه بزرگ تر مدرن سازی و متمرکزسازی قدرت بود، طبیعتاً با مقاومت بخشی از نهاد روحانیت مواجه شد که

۱۳- عبدالله مستوفی؛ شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)؛ ج ۱، ص ۱۳۸

۱۴- میرزا محمد حسن خان اعتمادالسلطنه؛ الماثر و الاثار، ص ۹۶

استقلال و نقش سنتی خود را در خطر می‌دید. حضور زنان دربار در تکیه دولت نیز یکی از نکات جنجالی برای برخی روحانیون محافظه‌کار بود. در حالی که در مراسم سنتی، زنان و مردان کاملاً از هم جدا بودند و زنان معمولاً در فضاهای کاملاً بسته حضور می‌یافتند، در تکیه دولت زنان دربار در غرفه‌های مخصوصی قرار داشتند که هرچند جداگانه بود، اما از نظر برخی علما، این حضور با قواعد سنتی تعارض داشت.

علاوه بر این، دعوت از سفیران اروپایی و حضور آن‌ها در مراسمی که جزء مقدس‌ترین آیین‌های شیعی محسوب می‌شد، نگرانی عمیق برخی روحانیون را برانگیخت. آن‌ها معتقد بودند که حضور غیرمسلمانان در چنین مراسمی، قداست آن را خدشه‌دار می‌کند و بیشتر جنبه تبلیغاتی و سیاسی پیدا می‌کند تا جنبه معنوی و عبادی.

شکوه مراسم و فضای تکیه دولت تا آنجا بود که با وجود احتیاط ایرانیان در پذیرش ورود بیگانگان به مراسم تعزیه به سبب نگرانی از واکنش نادرست آنان، شاه و درباریان با آسودگی خاطر سیاحان فرنگی را به تکیه دولت دعوت می‌کردند.^{۱۵} در خاطرات اعتمادالسلطنه آمده است:

دیروز قرار شد صبح بعد از روضه درب خانه بروم. شنیدم دیشب در تکیه دولت تعزیه دیر سلیمان بوده و سفرای انگلیس و ایتالیا با اتباعشان آمده بودند تماشا. بعد از ختم تعزیه اسماعیل بزاز مقلد معروف با قریب دویست نفر از مقلدین و عمله طرب بودند که با ریش‌های سفید و عاریه و لباس‌های مختلف از فرنگی و رومی و ایرانی ورود به تکیه کردند و حرکات قبیح از خودشان بیرون آوردند. طوری که مجلس تعزیه از تماشاخانه بدتر شده. به اتفاق امین‌الدوله کالسکه نشسته خانه آمدم.^{۱۶}

از منظر تاریخی، موضع علما نسبت به تکیه دولت بازتاب‌دهنده تنش‌های

۱۵- حامد الگار؛ دین و دولت در ایران، ص ۲۴۴

۱۶- میرزا محمد حسن خان اعتمادالسلطنه؛ روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه؛ ج ۲، ص ۱۸۰

عمیق‌تری میان سنت و مدرنیته، استقلال دینی و کنترل دولتی، و حفظ هویت اسلامی در برابر تأثیرات غربی بود. روحانیون که قرن‌ها نقش میانجی میان مردم و متون دینی را داشتند و از اعتبار اجتماعی بالایی برخوردار بودند، اکنون با ساختاری مواجه شدند که نقش آن‌ها را محدود می‌کرد و اختیارات آن‌ها را به حاشیه می‌راند.

حامد الگار در این باره آورده است: «تعزیه و روضه‌خوانی که هر دو در دوره قاجار مقبولیت عام یافت به نظر بسیاری از علما سزاوار سرزنش بود. روضه‌خوان‌ها تا اندازه‌ای در جلب علائق مذهبی مردم رقیب علما بودند و تعزیه از لحاظ عاطفه‌گرایی در جهت مخالف روح طلبگی آنان بود.»^{۱۷} و در جای دیگر می‌گوید: «در دوران حکومت ناصرالدین شاه همه چیز در جهت افزایش اهمیت علما به منزله پیشوایان ملت علیه دولت است. شاه مسرفانه تظاهر به دین‌داری می‌کرد و هنگام لزوم در پی ایجاد روابط حسنه با علما بود و تقریباً می‌کوشید که قدری از حیثیت و جواز شرعی علما را به خود اختصاص دهد.»^{۱۸} کوشش‌های او بی‌نتیجه بود. انقلاب مشروطیت به وقوع پیوست که تا حدی تجلی واکنش مغشوش نسبت به تأثیر غرب و تا اندازه‌ای ادامه نزع سنتی میان علما و دولت بود.

سرانجام، کشمکش میان علما و دربار بر سر تکیه دولت، در بستر تحولات عصر مشروطه و نفوذ فرهنگ غربی، به افول تدریجی این بنا انجامید. پس از مرگ ناصرالدین شاه، به دلیل اقدامات مشروطه‌خواهان، نفوذ تأثر اروپایی و مخالفت برخی علما، برگزاری مناسک در تکیه دولت رونق پیشین را از دست داد.^{۱۹} مجلس مؤسسانی که برای برکناری احمدشاه و به سلطنت رساندن رضاخان پهلوی تشکیل شد، در همین تکیه دولت برگزار گردید. این رویداد، نمادین‌ترین وجه تلاقی سیاست و مذهب در این بنا را رقم زد. بسیاری از علمای صاحب نفوذ که با این تغییرات مخالف بودند، در این مجلس غایب بودند یا نقشی نداشتند. در نهایت، تخریب این بنای تاریخی در سال ۱۳۲۵ و احداث شعبه بانک ملی به

۱۷- حامد الگار؛ دین و دولت در ایران، ص ۴۶

۱۸- همان، ص ۱۹۸

۱۹- ظهورالدوله؛ سفرنامه ظهیرالدوله همراه مظفرالدین شاه به فرنگستان، ج ۱، ص ۱۷۱

جای آن، پایان قطعی دوره‌ای بود که مذهب می‌توانست در سایه قدرت سیاسی مستقل عمل کند.^{۲۰}

این تنش‌ها در بافت وسیع‌تر تحولات اجتماعی و سیاسی دوران قاجار قرار داشت. جامعه ایران در حال گذار از ساختارهای سنتی به مدرن بود و نهادهای مختلف از جمله روحانیت، با چالش‌های جدیدی مواجه شده بودند. تکیه دولت یکی از نمادهای این گذار بود که واکنش‌های متفاوتی را برانگیخت.



سخنرانی رضاخان، مراسم افتتاح مجلس مؤسسان در تکیه دولت

۳. نتیجه‌گیری

راز کناره‌گیری علما از تکیه دولت، نه یک تصمیم صرفاً مذهبی، که پاسخی به یک بحران الهیاتی-سیاسی عمیق در عصر قاجار بود. این کناره‌گیری، نمایی از نبرد برای «انحصار تفسیر دین» و «مشروعیت سیاسی» بود. علما دریافته بودند که تکیه دولت، پدیده‌ای جدید در تاریخ ایران است که در آن، شاه روشن‌فکر

۲۰- فاطمه مسعودی؛ آشنایی با تاریخ مجالس قانون‌گذاری در ایران: نخستین مجلس

قاجاری، بدون نیاز به واسطه‌گری علما، سعی داشت با به‌کارگیری ابزارهای مدرن (نمایش، معماری نوین، جلب نظر زنان و خارجیان)، به بازتعریف دیانت عامه و کسب مشروعیت مستقل بپردازد. این اقدام، زنگ خطری برای روحانیون بود تا دریابند که در عصر ورود مدرنیته، جایگاه سنتی آن‌ها به عنوان تنها متولیان امر دین، توسط یک قدرت رقیب مدرن (دولت مطلقه) تهدید می‌شود. واکنش دوسویه علما (همکاری و مقاومت گزینشی)، الگویی شد که در تحولات بعدی ایران، از جمله انقلاب مشروطه، تکرار شد. در واقع، آنچه در تکیه دولت شکل گرفت، سرآغاز منازعه‌ای بود که یک قرن بعد به اوج خود رسید و به تغییر بنیادین نظام سیاسی ایران انجامید. پرسش از اینکه «آیا دولت مدرن می‌تواند بدون نهاد روحانیت به بازتولید مشروعیت دینی بپردازد؟» تا به امروز، مسئله‌ای گشوده در تاریخ معاصر ایران باقی مانده است.

منابع

- احمدی، علیرضا؛ پورمحمدی املشی، نصرالله، «تشریفات مذهبی دوره ناصرالدین‌شاه قاجار؛ با تأکید بر ساختمان تکیه دولت»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹، ۴۹-۲۹.
- اعتمادالسلطنه، میرزا محمدحسن خان، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار، چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر، ۱۴۰۳.
- بیضایی، بهرام، نمایش در ایران، تهران: نشر کاویان، ۱۳۴۴.
- جاوید، رضا، «الاهیات سیاسی تکیه دولت»، دولت‌پژوهی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، بهار ۱۴۰۳، ۷۹-۱۰۸.
- معیرالممالک، دوستعلی خان، یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه، تهران: نشر علی اکبر علمی، ۱۳۵۱.
- ظهیرالدوله، علی بن محمدناصر، سفرنامه ظهیرالدوله همراه مظفرالدین شاه به فرنگستان، تهران: چاپخانه محمداسماعیل رضوانی، ۱۳۷۱.
- عنایت‌الله، شهیدی، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی، تهران: دفتر پژوهش‌های

فرهنگی، ۱۳۸۰.

- الگار، حامد، دین و دولت در ایران: نقش عالمان در دوره قاجار، ترجمه ابوالقاسم سرّی، چاپ دوم، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۹.
- گلجان، مهدی؛ افشاررضائی، سپیده، «تکیه دولت و مراسم مذهبی آن»، پژوهش‌های علوم تاریخی، شماره ۹، تابستان ۱۳۹۳، ۱۲۲-۱۰۵.
- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)، تهران: زوار، ۱۳۴۰.
- مسعودی، فاطمه، آشنایی با تاریخ مجالس قانون‌گذاری در ایران: نخستین مجلس مؤسسان، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۵.
- مهدی‌قلی‌خان (مخبرالسلطنه)، خاطرات و خطرات، تهران: زوار، ۱۳۴۴.
- میرزاحمدحسن‌خان، اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، تهران: بی‌نا، ۱۳۰۶ق.

از این قلم:

- «نقش دین در تعریف هویت ایرانی: تعامل روحانیت و دربار قاجار»، فصلنامه حیات کاشانه ما، دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵.